

سلسله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی
(کتاب دوم)

بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت (ع) در دیدگاه فریقین

حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

پاییز ۱۳۹۱

نजारزادگان، فتح‌الله، ۱۳۳۷ -

بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت در دیدگاه فریقین / فتح‌الله نजारزادگان - قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها
(سمت)، ۱۳۸۸.

نه، ۲۵۴ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۵۱: قرآن پژوهی؛ ۱۱) (سازمان مطالعه و تدوین
کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۲۸۵: علوم قرآنی و حدیث؛ ۲۷).

ISBN: 978-964-7788-99-1

بها: ۲۵۰۰۰ ریال.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۲۱۷-۲۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

چ. ۲: ۱۳۸۹. چ. ۳: ۱۳۹۰. چ. ۴: ۱۳۹۱. چ. ۵: ۱۳۹۱، بها: ۵۳۰۰۰ ریال.

۱. خاندان نبوت در قرآن. ۲. تفاسیر مأثوره. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و

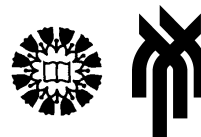
تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ج. عنوان.

۲۹۷ / ۱۵۹

BP ۱۰۴ / خ ۲ ن ۳

۱۶۳۷۰۶۱

شماره کتابشناسی ملی



بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت (ع) در دیدگاه فریقین

تألیف: حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نजारزادگان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار: ۱۵۱، علوم قرآنی: ۱۱)

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه

علوم انسانی (شماره انتشار: ۱۲۸۵، الهیات (علوم قرآنی و حدیث): ۲۷)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ پنجم: پاییز ۱۳۹۱ (چاپ چهارم: بهار ۱۳۹۱)

تعداد: ۹۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۵۳۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهر پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۰۲۸۰۳۰۹۰.

ص.ب. ۳۷۱۸۵۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۶۶۴۰۲۶۰۰ و

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

۶۶۹۷۸۹۲۰

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،

تلفن: ۰۴۴۲۳۴۸۴۲۳، نمابر: ۰۴۴۲۴۸۷۷۷ □ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹ - تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، نمابر: ۰۶۶۴۰۵۶۷۸

Website: www.samt.ac.ir

Email: info@samt.ac.ir



امروز فضلا و مدرسین علوم اسلامی طریقهٔ سلف صالح را حفظ و افکار خود را برای هر چه پربارتر کردن فقه و تفسیر و فلسفه و سایر علوم اسلامی به کار برند و شاگردان خود را برای همین مقصد الهی هدایت کنند.

صحیفهٔ نور، ج ۱۸، ص ۲۳۳

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقا کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، بیست و ششمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت (ع) در دیدگاه فریقین به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این کتاب برای دانشجویان رشته مدرسی معارف اسلامی و گرایش تفسیر تطبیقی مقطع دکترا و نیز دانشجویان رشته علوم قرآنی در مقطع تحصیلات تکمیلی تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

پیشگفتار: اصطلاح‌شناسی تفسیر تطبیقی و نگاهی به جایگاه آن..... ۱

فصل اول: کلیات

معناشناسی اصطلاح اهل بیت علیهم‌السلام..... ۳
طبقه‌بندی آیات درباره اهل بیت علیهم‌السلام و تنقیح موضوع..... ۶
سیری کوتاه در پیشینه پژوهش..... ۱۰
حکمت عدم تصریح نام ائمه در قرآن..... ۱۳
آزمون امت، حکمت عدم تصریح..... ۱۷

فصل دوم: بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت

درآمد..... ۲۳
واژگان..... ۲۳
گفتار اول: بررسی دیدگاه شیعه..... ۲۶
مبانی دیدگاه شیعه..... ۲۶
تحلیل درون‌متنی از آیات ولایت..... ۲۷
تحلیل برون‌متنی (استناد به روایات)..... ۲۸
گفتار دوم: بررسی دیدگاه‌های اهل سنت..... ۳۰
گروه اول: پذیرش شأن نزول بدون الغای خصوصیت..... ۳۰
مبانی دیدگاه اول..... ۳۱
بررسی و نقد دیدگاه اول..... ۳۱
گروه دوم: پذیرش شأن نزول با الغای خصوصیت..... ۳۲
مبانی دیدگاه گروه دوم..... ۳۲
بررسی و نقد دیدگاه گروه دوم..... ۳۳
گروه سوم: انکار شأن نزول..... ۳۶

۳۷	مبانی دیدگاه سوم
۳۸	بررسی و نقد دیدگاه سوم
۴۱	بررسی ماجرای عبادۀ بن صامت
۴۶	نقد ادعاهای ابن تیمیہ
۵۱	گفتار سوم: بررسی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها پیرامون دیدگاه شیعه
۵۲	دسته اول مناقشه‌ها
۵۳	دسته دوم مناقشه‌ها
۵۴	بررسی و نقد مناقشه‌های دسته اول
۶۰	بررسی و نقد مناقشه‌های دسته دوم
۶۹	نتیجه
۷۱	پژوهش

فصل سوم: بررسی تطبیقی تفسیر آیه اولی الامر

۷۳	درآمد
۷۳	واژگان
۷۵	گفتار اول: بررسی دیدگاه شیعه
۷۵	تحلیل درون‌متنی از آیه
۷۹	تحلیل برون‌متنی (استناد به روایات)
۸۱	۱. انحصار معنای اولی الامر به معصومان
۸۲	۲. اولی الامر و اوصاف ویژه
۸۳	۳. اولی الامر در ردیف خدا و پیامبر
۸۵	۴. پیوند «اولی الامر» با اوصاف عترت
۸۸	۵. اولی الامر مرجع حل اختلاف‌ها
۹۰	گفتار دوم: بررسی دیدگاه‌های اهل سنت
۹۲	اولی الامر در روایات اهل سنت
۹۲	دسته اول: امام علی و اهل بیت
۹۳	دسته دوم: فرماندهان منصوب
۹۴	دسته سوم: عالمان و فقیهان
۹۴	دسته چهارم: اصحاب پیامبر خدا
۹۴	دسته پنجم: ابوبکر و عمر و...
۹۴	دسته ششم: امانتداران
۹۶	بررسی و ارزیابی احادیث اهل سنت
۱۰۴	بررسی و نقد دیدگاه فخر رازی (اولی الامر، اهل حل و عقد)
۱۰۶	گفتار سوم: بررسی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها پیرامون دیدگاه شیعه

۱۰۶	یک) شرط معرفت و دست یافتن به اولی الامر
۱۰۷	دو) عدم تطبیق اولی الامر بر یک فرد
۱۰۸	سه) عدم تطبیق اولی الامر بر مفاد آیه
۱۰۹	نتیجه
۱۱۲	پژوهش

فصل چهارم: بررسی تطبیقی تفسیر آیه (تبلیغ) عصمت

۱۱۳	درآمد
۱۱۳	واژگان
۱۱۴	گفتار اول: نقاط مشترک فریقین در تفسیر آیه
۱۱۵	یک) سوره مائده در زمره آخرین سوره‌های نازل شده
۱۱۵	دو) عدم ارتباط آیه تبلیغ با آیات قبل و بعد آن
۱۱۶	سه) اتفاق اهل بیت و صحابه در تعیین مورد نزول آیه
۱۱۶	چهار) تحلیل یکسان از شرط و جزا در آیه
۱۱۹	پنج) دل‌نگرانی و بیم رسول خدا از تبلیغ پیام آیه
۱۲۰	گفتار دوم: بررسی دیدگاه شیعه
۱۲۰	تحلیل درون‌متنی از آیه
۱۲۱	عدم ارتباط مفاد آیه با اهل کتاب
۱۲۱	تهدید از ناحیه کفار و مشرکان
۱۲۲	تهدید و خطر منافقان
۱۲۸	نهراسیدن رسول خدا از قتل
۱۳۱	تحلیل برون‌متنی (استناد به روایات)
۱۳۱	روایات در مصادر شیعی
۱۳۲	روایات در مصادر اهل سنت
۱۴۳	گفتار سوم: بررسی دیدگاه‌های اهل سنت
۱۴۳	نزول آیه درباره امام علی
۱۴۴	نزول آیه در مورد حراست پیامبر خدا
۱۴۸	مورد نزول درباره حکم رجم و قصاص
۱۴۹	نزول آیه درباره عیب‌جویی یهود
۱۵۳	احتمال‌های دیگر درباره نزول آیه
۱۵۶	گفتار چهارم: بررسی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها پیرامون دیدگاه شیعه
۱۵۶	عدم اعتبار احادیث نزول آیه درباره امام علی <small>ع</small>
۱۵۹	نزول آیه پیش از حجة الوداع
۱۵۹	تردید در اصل اعلان ولایت در غدیر

۱۶۰	انکار دعای «اللهم وال من والاه...» در ادامه اعلان ولایت
۱۶۴	تردید و مناقشه در معنای پیشوا برای «مولى»
۱۶۵	ادله اثبات معنای پیشوا برای «مولى»
۱۶۵	الف) ارتباط نزول آیه با ابلاغ ولایت امام علی
۱۶۶	ب) دل‌نگرانی پیامبر ﷺ و ترس از تکذیب
۱۶۶	ج) پیوند غدیر با جریان بریده‌اسلمی
۱۶۷	د) واژه «ولى» به جای «مولى» در حدیث غدیر
۱۶۸	ه) تعبیر «ألسْتُ أُولَىٰ بَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ» در صدر اعلان ولایت
۱۶۹	و) پیوند جریان غدیر با حدیث ثقلین
۱۶۹	ز) ارتباط آیه عصمت با آیات ولایت و اولی الامر
۱۷۰	ح) پیوند آیه عصمت با آیه اکمال
۱۷۱	ط) تبریک برخی صحابه به امام علی ؑ
۱۷۱	ی) احتجاج امام علی ؑ به حدیث غدیر
۱۷۳	نتیجه
۱۷۵	پژوهش

فصل پنجم: بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال

۱۷۷	درآمد
۱۷۸	واژگان
۱۷۹	گفتار اول: نقاط مشترک فریقین در تفسیر آیه
۱۷۹	یک) سوره مائده در زمره آخرین سوره‌ها نازل شده
۱۷۹	دو) نزول آیه اکمال در حجة الوداع
۱۷۹	سه) عدم ارتباط فقره «الیوم... دیناً» با اجزای آیه
۱۸۰	چهار) دلالت دو تعبیر «الیوم» به یک روز مشخص
۱۸۰	پنج) همسانی در ذکر علت نزول آیه در روایات فریقین
۱۸۱	گفتار دوم: بررسی دیدگاه شیعه
۱۸۱	تحلیل درون‌متنی از آیه
۱۸۴	تحلیل برون‌متنی (استناد به روایات)
۱۹۱	گفتار سوم: بررسی دیدگاه‌های اهل سنت
۱۹۱	تعیین «الیوم» در آیه اکمال
۱۹۲	تعیین رخداد
۱۹۲	تحلیل یأس کافران
۱۹۴	تبیین اکمال دین
۱۹۶	تبیین اتمام نعمت

۱۹۸.....	ارزیابی و نقد دیدگاه‌های اهل سنت
۲۰۷.....	گفتار چهارم: بررسی و نقد مناقشه‌ها و تردیدها پیرامون دیدگاه شیعه
۲۰۷.....	یک) تعارض احادیث ولایت با احادیث مقطوع
۲۰۷.....	دو) ضعف سند در احادیث ولایت
۲۰۹.....	سه) رکاکت و وضع در احادیث ولایت
۲۱۰.....	چهار) گزاره‌های باطل در حدیث ولایت
۲۱۲.....	پنج) تناقض در دیدگاه شیعه
۲۱۴.....	نتیجه
۲۱۶.....	پژوهش
۲۱۷.....	منابع و مأخذ
۲۳۱.....	نمایه‌ها

اصطلاح‌شناسی تفسیر تطبیقی و نگاهی به جایگاه آن

در مقدمه کتاب اول که به «بررسی تطبیقی مبانی تفسیر فریقین» اختصاص داشت، گفتیم تفسیر قرآن به دو نوع کلی تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی تقسیم می‌شود و آنچه تاکنون مورد اهتمام مفسران فریقین بوده، همین دو نوع تفسیر است که هر کدام نیز تقسیم‌بندی‌های خاص خود را دارند.

نوع دیگر از تفسیر که تاکنون در حوزه تفسیر قرآن (به صورت مستقل) مغفول مانده، تفسیر تطبیقی است. این نوع تفسیر به بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره تفسیر قرآن می‌پردازد.

هر چند در تفاسیر اجتهادی هر دو فریق (در برابر تفاسیر روایی یا بالمأثور) کم و بیش به بررسی و نقد دیدگاه‌های یکدیگر اشاره شده است (مانند تفسیر المیزان، نوشته علامه طباطبایی از تفاسیر شیعی و تفسیر روح المعانی نوشته آلوسی و المنار تألیف محمد رشید رضا از تفاسیر اهل سنت)، لیکن بررسی مستقل و همه‌جانبه با تنظیم منطقی مباحث، پیشینه‌ای در بین فریقین ندارد.^۱ ضرورت این نوع تفسیر در درک و ارزیابی درست از مبانی و مفاهیم آیات از دیدگاه‌های فریقین نهفته است که آثاری درخشان در پی خواهد داشت از جمله:

الف) کشف نقاط قوت و ضعف فریقین در مبانی تفسیر و دیدگاه‌های تفسیری؛

ب) شناخت نقاط اشتراک و افتراق فریقین در مبانی تفسیر و مفاهیم تفسیری؛

ج) مرزبندی دقیق از اختلاف‌های مبنایی با تفاوت‌های بنایی و بررسی و نقد هر کدام در جای خود؛

د) کشف اختلاف‌های لفظی فریقین (که حجم زیادی از اختلاف‌ها را به خود اختصاص داده) و اخراج آنها از دایره بحث؛

۱. در این باره تنها می‌توان به کتاب بین الشيعة والسنة دراسة مقارنة في التفسير و اصول...» نوشته علی احمد السالوس اشاره کرد که مشحون از داوری‌های یک‌سویه و گزارش‌های سلفی اوست.

ه) محک زدن نقاط افتراق بر اساس مدارک و اصول پذیرفته شده نزد هر کدام از دو فریق؛

و) بر ملا ساختن بسیاری از داوری‌های ناآگاهانه و یا اتهام‌های متعصبانه؛

ز) ارایه راهکارها برای برون رفت از اختلاف‌ها و اتهام‌ها.

تفسیر تطبیقی در دو حوزه «مبانی» تفسیر و «مفاهیم» آیات قرآن از دیدگاه فریقین خواهد بود. در (کتاب اول) حوزه مبانی تفسیر، اصول و پیش فرض‌های فریقین درباره تفسیر قرآن در دو بخش مبانی مشترک و مبانی مختص مورد بررسی قرار گرفتند. در حوزه مفاهیم تفسیری، موضوعاتی از قرآن‌گزینش شده‌اند، این‌گزینش بر اساس اولویت‌ها و نیازهاست که بخشی از آنها در تفاوت دیدگاه‌های تفسیری شیعه و اهل سنت و بخشی در تفاوت دیدگاه‌های شیعه با وهابیان است. روند کار در این حوزه بدین شکل است:

یک) درآمد مشتمل بر چکیده و پیش‌آگاهی‌های لازم در بررسی آیات مورد نظر؛

دو) ارایه دیدگاه‌های تفسیری فریقین از مصادر و منابع معتبر آنان؛

سه) کشف نقاط مشترک فریقین درباره تفسیر آیات مذکور؛

چهار) بیان دلایل و شواهد و قراین هر کدام از دو فریق بر اساس منابع تفسیری و غیره؛

پنج) بررسی و نقد دلایل و گزینش دیدگاه درست؛

شش) نتیجه؛

هفت) پژوهش.

نگارنده با اذعان به حجم گسترده و دشواری این کار و اعتراف به بضاعت ناچیز خود، در نظر دارد با لطف خداوند، در حوزه مفاهیم، تمام موضوعات قرآنی را که در تفاسیر فریقین نقاط اشتراک فراوان و یا اختلاف نظر جدی دارند، به همین شکل مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

در پایان لازم است این نکته را (که در مقدمه کتاب اول نیز عنوان کرده‌ام) اشاره کنم، کتابی که با نام تفسیر تطبیقی در سال ۱۳۸۳ به قلم نگارنده به چاپ رسیده بر اساس سرفصل کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن «الجامعة المصطفی العالمیة» است و تنها یک سوم مباحث آن به موضوع این کتاب اختصاص دارد. اما کتاب حاضر با تجدید نظر و افزایش مطالب برای رشته مدرسی معارف اسلامی و گرایش تفسیر تطبیقی مقطع دکتری نگارش یافته است.

فصل اول

کلیات

معناشناسی اصطلاح اهل بیت علیهم السلام

بررسی درست و همه‌جانبه برخی دانشمندان درباره این تعبیر، ما را از شرح و تفصیل آن بی‌نیاز می‌کند:

واژه «اهل» در لغت به شایسته، سزاوار^۱ و مستوجب^۲ معنا شده و در عرف نیز در همین معنا ظهور دارد... ولی وقتی به شیء یا شخصی اضافه شود که غالباً نیز چنین است، به مناسبت مضاف الیه معنای دیگری از آن فهمیده می‌شود. جمعی کلمه «اهل بیت» را به ساکنان خانه معنا کرده‌اند.^۳ فِیومی پس از معنی کردن «الاهل» به «اهل بیت» گفته است: اصل در آن، خویشی است.^۴ راغب نیز از کاربرد مجازی «اهل بیت» شخص، در مورد کسانی که با وی پیوند نسبی دارند، سخن گفته است؛^۵ بنابراین می‌توان گفت «اهل بیت» در لغت به هر شخصی که ساکن خانه است، یعنی زن و فرزندان اطلاق می‌شود و به معنای خویشاوندان او نیز به کار می‌رود. در عرف نیز به همین معناست.

اما در مورد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون بیت آن حضرت محل نزول وحی و بیت نبوت نیز بوده، کلمه اهل بیت در مورد ایشان دو کاربرد پیدا می‌کند. گاهی اهل بیت پیامبر گفته می‌شود و از بیت، محل سکونت آن حضرت اراده می‌شود...؛ در این صورت کلمه اهل بیت در مورد آن حضرت نیز به همان معنایی است که در مورد دیگران به کار می‌رود؛ یعنی به معنای خانواده یا به معنای مطلق خویشاوندان آن حضرت می‌باشد؛ ولی گاهی اهل بیت پیامبر با لحاظ ویژگی محل نزول وحی و بیت نبوت است، در این صورت به معنای ساکنان خانه، خانواده یا مطلق خویشاوندان آن

۱. ر.ک: ابراهیم انیس، المعجم الوسيط، ص ۳۱. ۲. ابن سیده، المحکم، ج ۴، ص ۲۵۶.

۳. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۸۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴. فِیومی، المصباح المنیر، ص ۳۳. ۵. راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵.

حضرت نیست، بلکه منظور افرادی است که از نظر علمی و عملی و صفات انسانی، شایسته بیت آن حضرت می‌باشند...^۱

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد:

۱. چون اهل بیت در معنای دوم قابلیت تطبیق بر افراد مختلف را دارد، باید از ناحیه شارع حد و حدود آن تعیین شود؛ از این رو، امکان دارد در تعیین شارع برخی افراد از اهل بیت به معنای اول نیز در این معنا داخل شوند و یا بیرون روند؛ برای نمونه، خداوند به حضرت نوح درباره فرزندش می‌فرماید: «...إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...».

۲. شایستگی انتساب به بیت نبوت (در معنای دوم) مراتبی گوناگون دارد که براساس معیارهای خاص ذاتی یا اکتسابی افراد احراز می‌شود؛ به همین دلیل سلمان فارسی با عبارت «منا اهل البیت؛ وی از ما اهل بیت است»^۲ معرفی شده است.

۳. اهل البیت در لسان مبارک پیامبر خدا، در عالی‌ترین نمونه شایستگی انتساب به بیت نبوت، تنها بر افرادی خاص تطبیق شده و به صورت اصطلاح درآمده است؛ به گونه‌ای که هرگاه کلمه «اهل بیت» (و گاهی با افزودن کلمه «عترت» به آن) به کار می‌رود، همین افراد به ذهن متبادر می‌شود، مانند «کتاب الله و عترتی اهل بیتی» در حدیث ثقلین؛^۳ «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح»^۴ در حدیث سفینه؛ «اللهم هؤلاء

۱. بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۶۷-۶۸.

۲. ر.ک: کلینی، الکافی، کتاب الحجّة، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۳؛ میزی، تهذیب الکمال، ص ۲۵۱، رقم ۲۴۳۸.

۳. از مصادر اهل سنت ر.ک: سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۲۲، ح ۳۷۸۶ و ص ۶۶۳، ح ۳۷۸۸؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۱۰-۱۰۹؛ ابن ابی عاصم، کتاب السنّة، ص ۶۲۹، ح ۱۵۵۳ و ص ۶۳۰، ح ۱۵۵۸؛ ابن حنبل، مسند، ج ۱۷، ص ۱۶۱، ح ۱۱۱۰۴؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۶۷-۶۵، ح ۲۶۷۸، ۲۶۸۰، ۲۶۸۱ و ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۴۹۷۱؛ ابن حمید، مسند، ص ۱۰۷-۱۰۸، ح ۲۴۰، در کتاب کتاب الله و اهل البیت فی حدیث الثقلین من مصادر اهل السنّة تا حدودی این حدیث را استقصا کرده‌اند.

از مصادر شیعه نیز ر.ک: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۳۴، باب ۲۲، ح ۶۲-۴۴؛ محمودی، ترتیب الامالی، ج ۳، ص ۱۵۸، ح ۱۲۱۰ و ص ۱۶۰-۱۶۲، ح ۱۲۱۳-۱۲۱۵ و...

از مصادر زیدیه نیز ر.ک: ابن شجری، الامالی الخمیسیّة، ج ۱، ص ۱۵۵؛ الکوفی، مناقب، ص ۱۱۲، ح ۶۱۶، ص ۱۱۶، ح ۶۱۸، ص ۱۳۵، ح ۶۳۳، ص ۱۷۰، ح ۶۶۳، ص ۳۱۳، ح ۷۹۹، ص ۴۳۵-۴۳۶، ح ۹۲۸-۹۲۹ و ص ۴۴۹-۴۵۰، ح ۹۴۸-۹۴۹.

برخی منابعی که حدیث ثقلین را از مصادر گوناگون گرد آورده‌اند، عبارت‌اند از: بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۱۵-۹؛ راضی، الهوامش التحقیقیة (ملحق به کتاب المراجعات)، ص ۳۲۷؛ تستری، احقاق الحق، ج ۹، ص ۳۷۷-۳۰۹؛ هندی، عقبات الانوار، ج ۱، ص ۱۷-۳۲۸ و ج ۲، ص ۱۰-۳۹۲. در کتاب اول در بحث «حجیت سیره اهل بیت در تفسیر» پیرامون اُستاد و مفاد این حدیث به تفصیل سخن گفتیم.

۴. حدیث کشتی نوح یا «حدیث سفینه» (که در آن، پیامبر خدا ﷺ اهل بیت خود را همانند کشتی نوح می‌دانند که هرکس سوار شود، نجات می‌یابد و هرگز تخلف کند، غرق می‌شود) با طرق گوناگون در مصادر فریقین نقل

أهل بیته^۱ در داستان مباحله و کساء؛ «اهل بیته امان لأمتی...»^۲ در حدیث نجوم؛ «اللهم صلّ علی محمد وآل محمد»^۳ در حدیث صلوات و... که تفصیل آنها با ذکر مدارک و شواهد کافی در گفتار اول از فصل دوم در کتاب اول تفسیر تطبیقی، بیان شد. مراد ما از واژه «اهل بیت» در این پژوهش همین معنای اصطلاحی است که همواره در سیره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از آنان با ارجمندی، والایی و فضیلت یاد شده و با عنوان «دوازده خلیفه» توصیف شده‌اند.^۴ در پاره‌ای از روایات نقل شده که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث ثقلین را بیان فرمود، برخی اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا، عترت شما چه کسانی‌اند؟ فرمود: «علی، حسن، حسین و امامانی که از فرزندان حسین‌اند تا روز قیامت».^۵ این مضمون در روایات انبوه و متواتر شیعی و برخی روایات اهل تسنن از پیامبر خدا و سایر معصومان نقل شده است.^۶ با جستجو در مدارک و منابع فریقین خواهیم دید کسی جز این دوازده پیشوا چنین ادعایی نکرده و نگفته (و نمی‌تواند داشته باشد) که در زمره این دوازده خلیفه و یا از افراد اهل بیت به این معنای اصطلاحی است.

-
- شده و برخی اسانید آن صحیح می‌باشد. ر.ک: حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۲، ص ۳۴۳ و ج ۳، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ هندی، کنز العمال، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۴۴۲۹؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۱۳۲-۱۳۴، ح ۱۷۳-۱۷۷ وی با پنج طریق این حدیث را نقل کرده است؛ شهرستانی، مفاتیح الاسرار، ص ۱۹۹؛ ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۸۴ و ۲۳۴؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۴۳، ح ۵۱۷ و ص ۲۴۶، ح ۵۱۹؛ طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۹ و ج ۲، ص ۲۲؛ ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۳۰۶ و... از مصادر شیعه نیز، ر.ک: حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۱، ص ۵۵۲، ح ۳۸۳ و ۳۸۵.
۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱، ح ۲۴۰۴؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۲۹۹۹ و ج ۵، ص ۶۳۸، ح ۳۷۲۴؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۰؛ طوسی، امالی، ص ۵۶۴، ح ۱۱۷۴ و... .
۲. ر.ک: حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۲، ص ۴۴۸، ح ۳، ص ۱۴۹ و ۴۵۷؛ هتیمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۹۱ و ۱۴۰؛ طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۷؛ قندوزی، ینابیع المودة، ص ۱۹-۲۱، ۱۸۱ و ۱۸۸؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۵ و ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۵۲۲.
۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۳۳، ح ۳۱۹۰ و ج ۴، ص ۱۸۰۲، ح ۱۵۹؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۴۰۶ درباره مصادر حدیث صلوات، ر.ک: زمانی، محمد حسن، کیفیت صلوات از نگاه فریقین، ص ۳۴-۳۷.
۴. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۷ و ۸؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۵۰۱، ح ۲۲۲۳؛ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۷، ص ۴۱۲، ح ۲۰۸۸۲ و... درباره اسانید، مصادر فریقین و معنای این حدیث، ر.ک: اربلی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۳۰؛ آل محسن، مسائل الخلافة والرأی الحق فیه، ص ۹-۴۳.
۵. صدوق، معانی الاخبار، باب «معنی الثقلین والعترة»، ص ۹۰-۹۱، ح ۴ (سند این حدیث صحیح است) و ح ۵ و باب «معنی الآل والعترة والأمة»، ص ۹۳-۹۵؛ حموی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۸، ح ۲۵۰؛ ابن عقده، کتاب الولاية، ص ۲۰۲ و... .
۶. در این باره، ر.ک: ری شهری، اهل البيت فی الکتاب والسنة، باب «معنی اهل البيت»، ص ۲۷-۸۰، وی این روایات را از مصادر گوناگون فریقین نقل کرده است.

طبقه‌بندی آیات درباره اهل بیت علیهم‌السلام و تنقیح موضوع

هدف از این طبقه‌بندی، تبیین موضوع پژوهش است تا دقیقاً مشخص شود مراد از «آیات ولایت» در عنوان کتاب چیست و در چه سطحی (از ظواهر و بطون آیات) مدنظر این پژوهش است. با درنگ در آیات وحی و سیری کوتاه در روایات شأن نزول آیات و نیز بررسی احادیث معصومان در تبیین آیات پیرامون اهل بیت، می‌توان به یک دسته‌بندی کلی از آیات، در این زمینه دست یافت که به صورت فشرده بدین شرح است:

● اهل بیت در سطح ظواهر آیات

● اهل بیت در سطح بطون آیات

اهل بیت در سطح ظواهر آیات: مراد از ظواهر آیات در اینجا سطح «تنزیلی قرآن» (در برابر بطون قرآن)، مرتبه‌ای از معنای قرآن است که هر کس مفهوم عربی کلام و یا در رتبه عمیق‌تر، مقدمات تفسیر را براساس شیوه محاوره عقلایی بدانند، مراد خداوند را در آن سطح می‌فهمد؛ برای نمونه همان روایتی که عبدالله بن سنان از امام صادق پیرامون معنای آیه «ثُمَّ لِيُقْضُوا تَفْتَهُمْ...» (حج، ۲۹) می‌پرسد و پیش از این در بررسی مبانی تفسیر فریقین ملاحظه کردید، امام می‌فرماید: «گرفتن شارب و کوتاه کردن ناخن و همانند آنها» وی با تعجب می‌پرسد: ذریح محاربی از شما چنین نقل می‌کند که فرموده‌اید: «لِيُقْضُوا تَفْتَهُمْ» لقای امام است! امام می‌فرماید:

«صَدَقَ ذُرَيْحٌ وَصَدَقَتْ... إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَمَنْ يَحْتَمِلُ مَا يَحْتَمِلُ ذُرَيْحٌ؛ ذریح راست می‌گوید، تو نیز راست می‌گویی؛ همانا برای قرآن ظاهری و باطنی است؛ چه کسی می‌تواند آنچه را ذریح [از معانی باطنی قرآن] متحمل می‌شود، تحمل کند».^۱

براساس این روایت، معنای «ثُمَّ لِيُقْضُوا تَفْتَهُمْ» در سطح ظاهر تنزیلی معنایی است که از مفهوم عربی این کلام به دست می‌آید و در سطح باطن تأویلی، لقای امام می‌باشد که راهکار خاص خود را برای رسیدن به این معنا می‌طلبد.

در این سطح از ظواهر آیات وحی، می‌توان آیات را به دو گروه کلی تقسیم کرد:

الف) جایگاه اهل بیت: برخی آیات به تبیین جایگاه والای اهل بیت با بیان ویژگی‌ها، فضائل و مناقب آنان (به‌طور عام، یا به‌طور خاص درباره امام علی علیه‌السلام) پرداخته است. این

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹، کتاب الحج، ح ۴.

آیات اعم از آن است که شأن نزولی آیه را همراهی کند، مانند آیات سوره انسان یا بدون شأن نزول بر این موضوع ناظر باشد؛ مانند آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران، ۳۳) که در آن مقام، اصطفا‌ی اهل بیت را در قالب «آل ابراهیم» نشان داده است.

ب) حقوق اهل بیت: آیاتی که عهده‌دار بیان حقوق اهل بیت می‌باشند، گوناگون و متنوع‌اند که باید در جای خود بحث شوند. برخی از آنان عبارت‌اند از:

حق مودت: در آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (شوری، ۲۳) در این آیه از اهل بیت با تعبیر «قربی» یاد شده است. حقوق مالی: از جمله در آیه معروف خمس که فرمود: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ، وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» (انفال، ۴۱). امام رضا علیه السلام در تبیین این حق می‌فرماید: «خداوند اهل بیت را در کنار خود و رسولش قرار داد و آنچه برای خود پسندید، برای آنان نیز پسندید». خدای متعال در این آیه نیز آنان را با عنوان «ذی القربی» معرفی فرمود، و باز در آیه شریفه «مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» (حشر، ۷) خداوند اهل بیت را در کنار خود و رسولش قرار داد و برای آنان حقوقی از اموال فیئی در نظر گرفت.

حق وراثت کتاب: این حق در آیه شریفه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...» (فاطر، ۳۲) آمده و با تعبیر «الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا» از آنان یاد شده است.^۱

حق مرجعیت علمی: خداوند صلاحیت تام اهل بیت را در تبیین آموزه‌های دین و رفع شبهات و... با عنوان «اهل الذکر» نشان داد و فرمود: «...فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ...» (نحل، ۴۳) روایات در مصادر فریقین در این باب فراوان و چندین حدیث با سند صحیح در منابع شیعی از این حق پرده برداشته است.^۲ آیات و روایات متعددی دیگر نیز این حق را برای اهل بیت ثابت می‌داند که در گفتار اول از بخش دوم کتاب بررسی تطبیقی مبانی تفسیر فریقین به تفصیل بحث شد.

حق ولایت: این حق همانند حق ولایت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله شامل ولایت در قضاوت، هدایت‌گری، تبیین و تعلیم وحی و مرجعیت دینی، حاکمیت سیاسی و اجتماعی و جز

۱. همان، ج ۱، کتاب الحجة، ص ۲۳۶، ح ۷؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۱۰-۲۱۲؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۳۷ و....

اینهاست که در سطح ظواهر آیات شریفه: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رُكُوعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده، ۵۵-۵۶) از آن یاد شده و خداوند ولایت آنان را در ردیف ولایت خود و رسولش قرار داده است، و نیز در آیه شریفه اولوا الامر که می‌فرماید: «...أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء، ۵۹) که در آن خداوند، براساس تعبیر امام رضا(علیه السلام)، اهل بیت را با عنوان «اولی الامر» خواند و اطاعت آنان را در ردیف اطاعت رسولش قرار داد و آنچه را از اطاعت خود و رسولش پسندید، برای آنان نیز پسندید و از اطاعت مطلق آنان پرده برداشت.^۱

آنچه مدنظر ما در این پژوهش است، بررسی تطبیقی «حق ولایت اهل بیت، و ابعاد آن، از دیدگاه فریقین در سطح ظواهر آیات» است.

اهل بیت در این سطح، بنا به دلالت آیات قرآن، از حق ولایت برخوردارند. آنان دارای اوصاف ویژه متناسب با این مقام و رتبه‌اند که از آن با عنوان «اوصاف امامت» (امامت نور در برابر امامت نار) یاد می‌شود. از جمله این اوصاف عبارت است از: «نصب»؛ یعنی جز به نصب حق تعالی یا به نصب فردی معصوم با اذن خدا، چنین ولایتی برای هیچ کس روا نیست و نصب شرعی نخواهد داشت. «عصمت»؛ یعنی انسان‌های موحد ناب در تمام ابعاد توحید نظری و عبادی و در تمام شؤون زندگی. و «برتری مقام امامت از نبوت»؛ این برتری در اندیشه شیعه، با الهام از تعالیم قرآن و اهل بیت، صورت پذیرفته است. این معارف در بررسی تفسیر آیه ایتلی (بقره، ۱۲۴) به خوبی آشکار می‌شود.

براساس آنچه گفته شد، شاکله اصلی این کتاب بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت (آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائده)، آیه اولوا الامر (نساء، ۵۹)، آیه تبلیغ یا عصمت (مائده، ۵۷)، آیه اکمال (مائده، ۳) خواهد بود و همه این آیات در باب ولایت امام علی(علیه السلام) به طور خاص و سایر اهل بیت(علیهم السلام) به طور عام قرار دارند. البته آیات ولایت از نگاه اندیشمندان شیعی به این تعداد محدود نیست؛ برای مثال، علامه حلی به آیات: «...لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد، ۷)، «...وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه، ۱۱۹) و... برای ولایت امام علی و سایر اهل بیت تمسک جسته است، بلکه قرآن پژوهان و متکلمان شیعی به آیاتی که درباره بیان اوصاف، فضائل و مناقب اهل بیت می‌باشد، به صورت شاهد (یا حتی دلیل) برای حقوق اهل بیت به ویژه حق ولایت آنان نیز استناد کرده‌اند که در اینجا به دلیل حجم گسترده بحث، از بررسی تفصیلی مفاد آنها چشم

پوشیده‌ایم و به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم: مرحوم علامه حلی در کتاب *منهاج الکرامه* فی الامامة که برای بخشی از استدلال خود بر امامت امام علی علیه السلام به ذکر فضائل امام و مطاعن دیگران بسنده کرده، می‌نویسد:

امامیه چون فضائل و کمالات امام علی را که مخالف و موافق هر دو نقل کرده‌اند، بیش از حد احصا کردند و مطاعن فراوان در کتاب‌های اهل تسنن برای دیگران دیدند، قول امام علی را پسندیدند و وی را برای خود امام قرار دادند... ما در اینجا تنها به اندکی از ذکر فضائل امام علی و مطاعن دیگران بسنده خواهیم کرد تا حجتی برای آنان در روز جزا باشد.^۱

این شیوه از استدلال در بیان و بنان امامیه با ضمیمه حکم عقلی «قیح تقدم مفضول بر فاضل» صورت پذیرفته است.

اهل بیت در سطح بطونی آیات: مراد از بطون آیات در اینجا معنای لغوی آن است؛ یعنی معنای مبطن و پوشیده از آیات که مراد خداست، ولی در نظر بدوی از مفهوم بسیط از کلام عربی قرآن و یا پس از پرده‌برداری از سطوح ظاهری آیات قرآن که به آن تفسیر اصطلاحی می‌گویند، به دست نمی‌آید. به نظر می‌رسد «بطن قرآن» در نصوص روایی شیعه - همان‌گونه که در گفتار سوم کتاب اول ملاحظه کردید - به همین معنای گسترده است؛ از معنای پنهانی ذو مراتب گرفته که از سنخ معنا و مفهوم است، تا معارفی از سنخ وجود که هنوز تأویل آنها نیامده و در خارج به صورت عینی تحقق نیافته است و یا تأویلی پنهان که همراه با معنای ظاهری آیه مراد خدای تعالی است و بالأخره تأویلی که با تجرید خصوصیات نزول و تعمیم آن بر موارد مشابه صورت گرفته است. اگر در روایات، بطن قرآن تأویل نامیده شده، تأویل در اینجا به معنای مطلق «ما یؤول إلیه الکلام؛ هر آنچه کلام به سوی آن می‌گردد» می‌باشد (یعنی آنچه کلام به آن ناظر است، اعم از مصداق عینی یا مفهوم ذهنی) که شامل همه موارد فوق می‌شود و اختصاص آن به یک معنا مانند تجرید آیه از خصوصیات و تعمیم آن به موارد مشابه، دلیل می‌خواهد.

اگر معنای بطونی آیات به خوبی تبیین شوند، راه را برای درک احادیثی که در منابع فریقین آمده و حکایت از حجم عظیمی از آیات قرآن درباره اهل بیت دارد (مانند احادیثی که می‌گوید: «ثلث یا رُبْع قرآن درباره اهل بیت است»^۲ هموار می‌کند).

۱. حلی، *منهاج الکرامه*، ص ۸۴-۱۱۱.

۲. ر.ک: کلینی، *الکافی*، کتاب فضل القرآن، باب النوادر، ج ۲، ص ۶۲۷، ح ۲ و ۴؛ عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱،

فضائل و مناقب اهل بیت، حقوق و شؤون ولایی آنان در این سطح از بطون آیات مد نظر این پژوهش نیست.

سیری کوتاه در پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و رساله‌هایی که در موضوع «امامت» نگاشته شده، به نحوی با موضوع این پژوهش مرتبط‌اند. شمار این تألیفات بسیار زیادند. کتاب دائرةالمعارف تشیع ذیل عنوان «الامامة» می‌نویسد:

شمار آنچه تحت این عنوان از مؤلفات شیعی به شیوه کلامی نگارش شده، بیش از ۱۲۰ کتاب یا رساله است.^۱

سپس ۱۱۰ عنوان از آنها را با ذکر اسامی نویسندگان، به ترتیب تاریخی آورده است. بنابه عقیده این کتاب، نخستین کسی که در این باب قلم زده «عیسی بن روضه» تابعی، وابسته بنی‌هاشم و حاجب یا صاحب خلیفه منصور عباسی (د. ۱۵۸ق) است که نخستین مؤلف در کلام می‌باشد. منابعی که در این زمینه نگاشته شده را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد. الف) منابع کلامی: در این قلمرو، نویسندگانی نامدار به چشم می‌خورند که برخی از آنان از اجداد اصحاب ائمه طاهرین و بزرگان ادب، دانش و مفاخر امامیه‌اند؛ مانند خلیل بن احمد فراهیدی (د. ۱۷۰ق)، یونس بن عبدالرحمن (د. ۲۰۸ق)، محمد بن ابوعمیر (د. ۲۱۷ق)، خاندان نویختیان (که در علم کلام شهره‌اند)، محمد بن یقظین از اصحاب امام جواد^{علیه السلام}، ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان بجلی کوفی ملقب به مؤمن الطاق، ابومحمد فضل بن شاذان نیشابوری (د. ۲۶۰ق)، ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری قمی مؤلف کتاب قرب الاسناد، ابوعبدالله سعد بن عبدالله اشعری قمی (د. ۲۹۹ یا ۳۱۰ق)، صدوق اول، ابوالحسن علی بن الحسین بن بابویه قمی (د. ۳۲۹) که نجاشی کتاب او را با عنوان الامامة والتبصرة من الحيرة یاد کرده است، شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (د. ۳۸۱ق)، شیخ مفید ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان (د. ۴۱۳ق)، خواجه طوسی

ص ۸۴-۸۵، ح ۲۵ و ۳۱؛ صدوق، علل الشرایع، ص ۶۴-۶۵؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۶-۵۷، ح ۵۷-۶۰؛ ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۲۸، ح ۳۷۵؛ نهج البلاغه، خطبه ۸۷ و ۱۵۴. علامه مجلسی در جلد ۲۳ و ۲۴ بحار الانوار در ۶۷ باب، ۱۵۰۷ روایاتی در بیان آیات مربوط به فضائل اهل بیت^{علیهم السلام} و شیعیان نشان و قدح دشمنان آنان آورده که بخش عمده آنها به نحو تأویل، بیان معنای باطنی آیات می‌باشد.

۱. دائرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۸۴.

(د. ۶۷۲ق) با عنوان الامامة و بیان شرایطها شیخ کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی (د. ۶۷۹ق)، شیخ زین‌الدین ابومحمد علی بن محمد عاملی بیاضی نباطی (د. ۸۷۷ق) صاحب الصراط المستقیم و... تا آنکه به عصر صفوی می‌رسیم. در این عصر، پژوهش‌ها و تألیف‌ها در باب امامت و ولایت همانند سایر مسائل رونق بیشتری می‌گیرد و گسترده‌تر می‌شود. در دو قرن اخیر نیز این بحث کامل‌تر و پربارتر و گسترده‌تر شده و به‌ویژه در عرصه نقد، آثار قابل توجهی نمایان می‌گردد؛ مانند کتاب الامامة نوشته مرحوم وحید بهبهانی (د. ۲۰۶ق)، کتاب ضربة الحیدریة تألیف سید محمد بن دلداری نقوی لکهنوی (د. ۲۸۴ق) که ردّ بر مبحث امامت از کتاب التحفة الاثنی عشریة است. همچنین نویسندگانی مانند میرزا حبیب‌الله رشتی نجفی (د. ۳۱۲ق) که کتابی استدلالی در این باره با نام الامامة نگاشته است. حاج آقا میرقزوینی که عنوان اثرش الامامة الکبری والخلافة العظمی است و با تعلیقات سید مرتضی قزوینی به چاپ رسیده است؛ شیخ محمد مهدی آصفی که کتابش الامامة فی الشریع الاسلامی نامبردار است. در این فهرست باید از دو کتاب گران‌سنگ و پر بها الشافی فی الامامة از علم الهدی شریف مرتضی (د. ۴۳۸) و تلخیص الشافی از شیخ الطائفة طوسی (د. ۴۶۰) که در واقع بازخوانی الشافی است، یاد کرد و کتاب‌های کلامی را نیز بر آنها افزود. متکلمان شیعی از آیات و روایات در این زمینه الهام گرفته و با مقدمات برهانی و جدلی این بحث را مانند سایر مباحث کلامی، سامان داده‌اند.

ب) منابع روایی: دسته دوم از منابع در این زمینه کتاب‌هایی است که به جمع‌آوری روایات درباره آیات ناظر به اهل بیت پرداخته‌اند. اهتمام این نوع منابع به گردی‌آوری تمام شواهد از کتاب خداست که به نحوی به معرفی فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام و حقوق و موقعیت آنان اشاره دارد. از جمله آنها، کتاب‌هایی است که به بیان شأن نزول‌ها و یا تبیین‌های نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خود اهل بیت درباره آیات وحی پرداخته است. از این نمونه می‌توان به جز کتاب‌های مناقب که عرصه ویژه با کمیتی قابل توجه در این باره‌اند، از شواهد التنزیل نوشته حاکم عیب‌الله حسکانی حنفی (د. حدود ۴۷۰ق)، تأویل الآیات الظاهرة تألیف السید شرف‌الدین استرآبادی (از دانشمندان قرن دهم) و مرآة الانوار نگاشته فتونی عاملی (د. قرن دوازدهم)، اللوامع النورانیة فی اسماء علی علیه‌السلام و اهل بیته القرآنیة نوشته سید هاشم بحرانی (د. ۱۰۹ق) و اخیراً اهل البیت فی القرآن الکریم تألیف علی جلائیان^۱ و اهل البیت فی الکتاب

۱. دو جلد از این کتاب تا پایان سوره بقره را به خود اختصاص داده است.

والسنة نوشته محمد ری شهری یاد کرد. محقق ارجمند تفسیر الحبري - ابو عبدالله الكوفي الحسين بن الحكم - د. ۲۸۶ ق - در مقدمه عالمانه خود ۶۵ کتاب در این باره نام برده و تاکید می‌کند قصد تتبع کامل را نداشته است.^۱ در کتاب توبیخ الذریعة نیز به پاره‌ای از این منابع^۲ (مانند آیات الأئمة از لاریجانی، الآيات النازلة في فضائل العترة الطاهرة اثر شيخ تقي الدين عبدالله الحلبي و...) بر می‌خوریم. این کتاب‌ها غیر از تفاسیر جامع مأثور مانند الدر الممتور جلال‌الدین سیوطی (د. ۹۱۰ق) و البرهان فی تفسیر القرآن سید هاشم بحرانی (د. ۱۰۹۱ق) یا کتاب‌های اسباب النزول مانند اسباب النزول واحدی نیشابوری، لباب النقول جلال‌الدین سیوطی و به‌طور مشخص‌تر کتاب رجال انزل فيهم قرآناً اثر عبدالرحمن عمیره می‌باشد که به تناسب آیات، به ذکر روایات در اسباب النزول پراخته و روایات را ارزش‌گذاری کرده است. در همان مقدمه تفسیر الحبري فهرست ۲۹ کتاب در باب اسباب النزول را مشاهده می‌کنیم.^۳ ناگفته پیداست پژوهشگر در استفاده از این منابع باید درجه اعتبار این کتاب‌ها و میزان استحکام روایات در آنها را در نظر گیرد.

ج) کتاب‌های جامع: اندیشمندان ولایت مدار شیعی در باب امامت پژوهی، کتاب‌های جامعی نیز رقم زده‌اند؛ مانند: مناقب آل ابی طالب نوشته محمد بن علی بن شهر آشوب (د. ۵۸۸ق)، کشف الغمة فی معرفة الائمة تألیف علی بن عیسیٰ اربلی (د. ۶۹۲ق)، احقاق الحق و اذهاق الباطل اثر قاضی سید نورالله شوشتری (د. ۱۰۱۹ق)، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات اثر شیخ محمد حسن حر عاملی (د. ۱۰۴۱ق)، مدینه معجز الائمة نوشته از سید هاشم بحرانی (د. ۱۰۷۱ق)، عبقات الأنوار فی امامة الائمة الأطهار از سید حامد حسین الکهنوی (د. ۱۳۰۶)، الغدير فی الكتاب والسنة والأدب تألیف شیخ عبدالحسین احمد الامینی (د. ۱۳۹۰ق).

د) کتاب‌های انتقادی: پاره‌ای از نگاشته‌ها در این زمینه انتقادی است و تناسب بیشتری با موضوع پژوهش ما دارد. از این نظر که در تفسیر آیات ولایت، ناظر به دیدگاه‌های مخالف نیز هست - این نگاشته‌ها را می‌توان به دو صورت متفرق و مدون تقسیم کرد. پژوهش‌های متفرق در تفاسیر غیرمأثور فریقین در ذیل آیات ولایت مطرح شده‌اند، به‌ویژه در تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی، روح المعانی آلوسی و المیزان علامه طباطبایی که به نقد و نظر در این باره توجهی خاص مبذول داشته‌اند.

۱. ر.ک: جلالی، مقدمه تفسیر الحبري، ص ۱۵۲.

۲. ر.ک: دیباجی، توبیخ الذریعة، ص ۸۱-۸۰.

۳. جلالی، مقدمه تفسیر الحبري، ص ۱۳۲-۱۳۸.

برخی آثار مدون در این زمینه نیز عبارت‌اند از: کتاب‌های پربهای علامه حلی (د. ۷۲۸ق) در باب امامت همانند الألفین و نهج الحق که در آن به ۸۴ آیه از قرآن در امر ولایت اهل‌بیت مورد استناد قرار گرفته است و یا کتاب منهاج الکرامه فی الامامة و نقد آن توسط ابن تیمیه حرانی (د. ۷۲۸ق) به نام منهاج السنة النبوية و به‌طور کلی کتاب‌هایی که از ناحیه دو طرف برای نقادی دیدگاه طرف مقابل نگاشته شده است؛ مانند کتاب پراج النقض نصیرالدین عبدالجلیل قروینی (ق ۵۶ه) که کارایی بیشتری در تفسیر تطبیقی از آیات ولایت خواهند داشت. از نگاشته‌های معاصر نیز غیر از الغدیر علامه امینی که از آن نام بردیم، باید از کتاب دلائل الصدق مرحوم محمد حسین مظفر و کتاب پرآوازه و گران‌سنگ المراجعات سید شرف‌الدین عاملی (د. ۱۳۷۷ق) که در آن به ۵۴ آیه در این زمینه استناد شده و کتاب الامامة و اهل‌بیت شهید سید محمدباقر حکیم و معرفة اهل‌بیت فی ضوء الکتاب والسنة از السید راضی الحسینی نام برد. به هر صورت، در منابع فهرست‌شناسی مانند معجم ما کتب عن الرسول و اهل‌بیت (جلد ۹ و ۱۰) از عبدالجبار الرفاعی؛ کتاب شناخت اهل‌بیت مجمع جهانی اهل‌بیت؛ معجم التراث الکلامی مؤسسه امام صادق علیه السلام (که تنها دروازه «امام» بالغ بر ۳۵۰ منبع معرفی کرده است) و بالأخره به منابع بسیار فراوان دیگر در این باره بر می‌خوریم. لوح فشرده «نور الولاية» نیز که در آن متن کامل ۱۲۶ جلد از منابع مهم در زمینه امامت و ولایت گرد آمده، راهگشاست.

با این پیشینه کهن و پر بار در بحث ولایت و امامت، باز هم به نظر می‌رسد جای بررسی تفسیر آیات ولایت به صورت مقارن مشهود است؛ تفسیری که در آن بر اساس طبقه‌بندی دیدگاه‌ها، نقاط اشتراک و افتراق فریقین کشف گردد، از صحت و سقم دلایل طرفین پرده بردارد و در پرتو آن شبهات را پاسخ‌گوید و سرانجام، راهکارهای برون‌رفت از اختلاف‌ها و اتهام‌ها را نمایان سازد. به آن امید که این شیوه در بررسی تفسیر آیات ولایت اهل‌بیت علیهم السلام، بر غنای بحث (ژرف و گسترده) امامت بیفزاید و زوایای بیشتری از آموزه امامت را نمایان سازد.

حکمت عدم تصریح نام ائمه در قرآن

چرا نام ائمه اهل‌بیت و مقام پیشوایی و امامت آنان در قرآن به‌طور صریح نیامده است؟ پیشینه این پرسش به عصر ائمه معصومین می‌رسد و نصوص روایی بر جای مانده در مصادر فریقین شاهد آن است که برخی از آنها را خواهید دید، در پاسخ به این پرسش سه دیدگاه مطرح است:

دیدگاه افراطی: در این دیدگاه گفته می‌شود نام اهل بیت و مقام پیشوایی آنان در قرآن به طور صریح بوده، لیکن پس از وفات پیامبر خدا ﷺ و در عصر جمع آوری قرآن و تدوین آن، قرآن تحریف گشت و نام اهل بیت از قرآن ساقط شد. این دیدگاه در میان فریقین طرفدارانی بسیار اندک دارد. استناد این افراد چیزی جز روایات نیست؛ روایاتی که از نظر سند و دلالت مخدوش و بسیاری از مصادر آنها بی اعتبارند. از این طیف می‌توان به ابن شنبوذ بغدادی (محمد بن احمد المقرئ م. ۳۲۸ق) از اهل سنت اشاره کرد. وی برای نمونه آیه شریفه: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ...» (آل عمران، ۱۲۳) را چنین قرائت می‌کرده است: «ولقد نصرکم الله بیدر - بسیف علی - و اتمم اذلة»^۱ ابن نبوذ تأویل آیه و مورد نزول آن را با تنزیل آیه خلط کرده بدون آنکه بر این توهّم خود دلیلی اقامه کند، و یا مانند محدث نوری (م. ۳۲۰ق) از شیعه که گفته شده انگیزه وی در تدوین کتاب فضل الخطاب اثبات همین مدعاست که نام اهل بیت در قرآن بوده و سپس به تحریف ساقط شده است. وی در دلیل نهم خود می‌گوید: «نام اوصیای خاتم پیامبران و دختر ایشان حضرت زهرا مرضیه - سلام الله علیها - و برخی از صفات و ویژگی آنان در تمام کتاب‌های آسمانی گذشته بوده است...؛ پس باید نام آنان در قرآن نیز که بر کتاب‌های پیشین سیطره دارد و کتاب جاودانه است، وجود داشته باشد...»^۲ در واقع محدث نوری با این قول، ناخواسته با خود قرآن مخالفت می‌کند؛ زیرا اگر قرآن سَمَت سیطره بر کتاب‌های آسمانی پیشین را دارد، همان‌گونه که فرموده: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنْ أَلْكِتَابٍ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ...» (مائده، ۴۸)؛ و ما این کتاب قرآن را که سراسر حق است، بر تو فرود آوردیم، در حالی که حقانیت کتاب‌های آسمانی پیش از خود را تأیید می‌کند و بر آنها سیطره و نگهبانی دارد» بنابراین، باید قرآن معیار صحت و سقم محتوای کتاب‌های پیشین باشد و تکلیف آنها را تعیین کند، اما محدث نوری معیار صحت و سقم آیات قرآن را کتاب‌های آسمانی قبلی می‌داند و تکلیف قرآن را با آنها روشن می‌کند و در پی آن، با حکم به تحریف قرآن، می‌گوید: نام ائمه از قرآن ساقط شده است. محدث نوری در این باره دلیل‌های دیگری، بنا به گمان خودش، آورده است که از دیدگاه محققان همه آنها از نظر سند و دلالت مخدوش‌اند.^۳

۱. ر.ک: قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱، ص ۸۰؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۸۰، رقم ۱۲۲ و مقدسی،

المرشد الوجیز، ص ۱۸۷. ۲. ر.ک: نوری، فضل الخطاب، ص ۱۸۳.

۳. برای توضیح بیشتر ر.ک: نجارزادگان (محمدی)، سلامة القرآن من التحریف، ص ۸۴-۷۹ و نیز ر.ک: مبحث «فصل الخطاب و نقاط مهمة» ص ۹۳-۱۲۵ از همان کتاب.

دیدگاه تفریطی: در این دیدگاه گفته می‌شود نه تنها نام اهل بیت در قرآن نیامده، بلکه هرگز مقام پیشوایی و امامت آنان به طور مطلق در قرآن مطرح نشده است و هر آیه‌ای که درباره اهل بیت به طور عام و یا امام علی علیه السلام به طور خاص نازل شده باشد، تنها بیان‌کننده فضائل و مناقب آنهاست، نه آنکه خداوند از امامت آنان سخنی گفته باشد. این دیدگاه جمهور اهل تسنن است. ضعف این دیدگاه در بررسی تطبیقی آیات ولایت اهل بیت آشکار خواهد شد.

دیدگاه معتدل: این، دیدگاه جمهور متکلمان، مفسران و محدثان شیعه است. آنان بر این باورند که هر چند نام اهل بیت به طور صریح در قرآن نیامده است، لیکن خداوند آیاتی متعدّد درباره پیشوایی اهل بیت به طور خاص (به ویژه امام علی علیه السلام) و مناقب آنان به طور عام نازل کرده و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که مبین و معلّم آیات خداست، آنها را به طور صریح و روشن برای امت بیان کرده است، به گونه‌ای که اگر جهالت‌ها و عنادها رخت بر بندد، برای همگان آشکار خواهد شد^۱ و در پی آن تبیینی معقول از برخی احادیث به دست خواهد داد که می‌گوید: «اگر قرآن را همان‌گونه که نازل شده، بخوانند ما را با نام می‌یابند».^۲

در منابع فریقین روایاتی است که دلالت بر حجم عظیمی از آیات قرآن درباره اهل بیت علیهم السلام دارد مانند این حدیث که از امام باقر علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام نقل شده است: [آیات] قرآن به چهارگروه نازل شده است؛ $\frac{۱}{۴}$ آن درباره ما و $\frac{۱}{۴}$ درباره دشمنان ما و...^۳

احادیثی دیگر به این مضمون در مصادر فریقین فراوانند؛ مانند احادیثی که به نقل از ابن عباس می‌گوید: «درباره هیچ کس به اندازه امام علی آیه نازل نشده است».^۴

۱. دیدگاه این گروه بر سه پایه اصلی استوار است:

۱. یک) تحریف ناپذیری قرآن؛ دو) علاج معقول از احادیث تحریف‌نما؛ سه) تفسیر قرآن بر اساس قرائن درونی آیات و تمسک به قول معصومان.
۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۳، ح ۴.
۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸ و نیز ر.ک: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸۴، ح ۲۵؛ ابن مغازلی شافعی، مناقب، ص ۳۲۸، ح ۳۷۵؛ ابن طاووس، بناء مقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية، به نقل از کتاب ما نزل من القرآن فی علی از ابونعیم اصفهانی، و ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶ق) و نیز: قندوزی، ینایع المودة، ص ۱۲۶؛ ابن همام، حیب السیر، ج ۲، ص ۱۳ (به نقل از ابن مردویه)؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۷-۵۶، ح ۵۷-۶۰ (ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن احمد حسکانی قرشی نیشابوری از محدثان بزرگ حنفی در قرن پنجم است. ذهبی در سیر اعلام النبلاء درباره وی می‌نویسد: الامام المحدث البارع، وی پیشوا و محدث و سرآمد دیگران است. سیر اعلام، ج ۱۸، ص ۲۶۸ رقم ۱۳۶) وی در کتاب تذکرة الحفاظ از او چنین یاد می‌کند: شیخ متقن ذو عنایة تامة بعلم الحدیث، استاد استوارکار که عنایتی تمام به دانش حدیث دارد (تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۲۰، رقم ۱۰۳۲) و نیز، ر.ک: سؤدونی، تاج التراجم، ص ۲۰۲، رقم ۱۵۷؛ ابن مردویه، مناقب، ص ۲۱۸، ح ۳۰۲.
۴. ر.ک: ابن مردویه، مناقب، ص ۲۱۸؛ ابن حجر، الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷؛ ابن عساکر، ترجمة الامام علی بن ابی طالب من

نیز حدیثی دیگر به نقل از ابن عباس که می‌گوید: «خداوند خطاب «یا ایها الذین آمنوا» در قرآن را نازل نکرد جز آنکه علی [علیه السلام] پیشگام در این خطاب است. خداوند یاران پیامبر را در مواردی متعدد مورد عتاب قرار داد، اما از علی [علیه السلام] جز خیر و خوبی یاد نکرده است»^۱. در این میان احادیثی دیگر نیز وجود دارد که از این مقوله در تمام کتاب‌های آسمانی حکایت می‌کند؛ مانند این حدیث از امام کاظم [علیه السلام] که می‌فرماید: «ولایت علی بن ابی طالب در تمام کتاب‌های انبیا آمده است و خداوند هیچ پیامبری را به رسالت مبعوث نکرد جز آنکه بر نبوت حضرت محمد ﷺ و ولایت علی - وصی او - [اقرار گرفت]»^۲.

تفسیر پیامبر خدا ﷺ و دیگر معصومان از آیاتی که درباره اهل بیت نازل شده، این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ برای نمونه، مرحوم کلینی با سند صحیح از ابوبصیر چنین نقل می‌کند: از امام صادق [علیه السلام] درباره آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» پرسیدم، فرمود: آیه درباره علی و حسن و حسین نازل شده [و مراد از اولی الامر آنانند] گفتم: مردم می‌گویند چرا نام امام علی و اهل بیت او در کتاب خدا نیامده است؟ فرمود: به آنان بگویید [کلیات] نماز بر رسول خدا ﷺ نازل شده ولی تعداد سه یا چهار رکعت آن نامیده نشده است و رسول خدا ﷺ آن را برای مردم تفسیر کردند... [به همین‌گونه کلیات ولایت به طور عام در قرآن نازل شد و پیامبر اکرم آن را تبیین کردند]^۳.

در حدیثی دیگر با سند صحیح از امام باقر [علیه السلام] چنین نقل شده است: فَأَمَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ أَنْ يُفَسِّرَ لَهُمُ الْوِلَايَةَ كَمَا فَسَّرَ لَهُمُ الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصُّومَ...؛ خداوند به حضرت محمد ﷺ فرمان داد، ولایت [امام علی] را برای آنان تفسیر کند، همان‌گونه که احکام نماز و زکات و روزه و حج را تفسیر می‌کند...^۴.

تاریخ دمشق، ج ۲۷، ص ۴۲۸، ح ۹۳۵-۹۴۰؛ ابن عساکر با پنج طریق این حدیث را از ابن عباس نقل کرده است.
 ۱. رک: ابن مردویه، مناقب، ص ۲۱۹، ح ۳۰۵؛ ابن عساکر، ترجمة الامام علی من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۹۳۹؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ح ۱۱۶۸۷؛ کوفی، مناقب الامام امیر المؤمنین، ج ۱، ح ۶۷ و ۸۱؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۳؛ ابونعیم اصفهانی، حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۶۴؛ خوارزمی، مناقب، ص ۱۷۹ و...
 ۲. رک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۷، رقم ۶؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۲؛ حاکم نیشابوری، معرفة علوم الحدیث، نوع ۲۴، ص ۹۶؛ ابن عساکر، ترجمة الامام علی بن ابی طالب من تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۹۷، ح ۶۰۲؛ خوارزمی، مناقب، فصل ۱۹، ص ۲۲۱؛ ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۸، ص ۳۳۸.
 ۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۷، ح ۱ و نیز رک: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۰۱۲ و ص ۴۱۰، ح ۱۰۱۳؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۲۰۳؛ حموی، فرانسد السمطین، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ابن عقده، کتاب الولاية، ص ۲۰۲.
 ۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۴ و ص ۲۹۲-۲۹۵، ح ۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۶۴.

ابن طاووس ضمن نقل این نمونه از احادیث از کتاب تفسیر ابوالعباس بن عقده (که هم اکنون مفقود است) مضمون این حدیث را آورده و می‌گوید:

وی با سندهای متعدد آن را نقل کرده است.^۱

در مصادر اهل سنت نیز از این نمونه احادیث (که در آن تبیین ولایت به عهده رسول خدا ﷺ نهاده شده است) به چشم می‌خورد.^۲ به زودی روایات متعدد فریقین را در این باره در بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت، خواهید دید.

پاسخ امام صادق علیه السلام به ابابصیر در آن روایت بر اساس جدال احسن است؛ یعنی آنچه مورد قبول خصم می‌باشد، مقدمه برای احتجاج علیه او به کار رفته است؛ زیرا آنان پذیرفته‌اند که کلیات نماز و سایر احکام در قرآن آمده ولی شرح و تبیین جزئیات، شروط و قیود آنها به عهده پیامبر خداست؛ درباره نام ائمه و ولایت آنان نیز به همین شکل است. اگر راوی پرسش خود را ادامه می‌داد و از امام می‌پرسید: چرا خداوند این تبیین را به عهده پیامبرش گذاشته است؟ شاید پاسخ امام به گونه‌ای دیگر، غیر از شکل جدال احسن مطرح می‌شد.

آزمون امت، حکمت عدم تصریح

به نظر می‌رسد یکی از حکمت‌های عدم تصریح نام ائمه در قرآن و واگذاشتن تبیین آیات در این زمینه بر عهده پیامبر خدا ﷺ (و دیگر معصومان) در جنب عوامل دیگر^۳ به خاطر آزمون این امت بوده که در سرنوشت نسل‌ها اثری مستقیم دارد. برای توضیح این مطلب ذکر چند نکته ضروری است.

یک) آزمون خداوند از همه افراد بشر (به صورت فردی) و نیز تمام امت‌ها (به صورت گروهی) قطعی است و آیاتی متعدّد از قرآن بر آن دلالت دارد.^۴

۱. ابن طاووس، سعد السعود، ص ۱۴۴-۱۴۵.

۲. برای نمونه، ر.ک: حموئی، فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۱۲، باب ۵۸؛ حسانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۲۴۹.

۳. مانند این عامل که در علم بلاغت مطرح است و می‌گوید: در قرآن پاره‌ای از امور به دلیل تعظیم و تفخیم به صورت وصف کامل، بدون اسم بیان شده است. عدم تصریح نام ائمه هم می‌تواند از این نمونه باشد (ر.ک: سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۳۱۴).

۴. برای نمونه، ر.ک: آیه شریفه: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فَنُنَّبِئُ...» (انبیاء، ۳۵)؛ هرکس مرگ را خواهد چشید و شما را با شر و خیر می‌آزماییم» و نیز؛ ر.ک: طه، ۱۳۱؛ عنکبوت، ۲-۳.

دو) شیوه آزمون خداوند از افراد و امت‌ها متفاوت است؛ برخی را با گِل خشکیده که در آن روح دمیده،^۱ برخی را با ممنوعیت ماهی‌گیری در روز شنبه و فراوانی ماهی در نهرها در آن روز،^۲ امتی را با دستور رفتن به سرزمینی غیرزراعی در کنار خانه‌ای سنگی^۳ (برای حج گزاردن)، افرادی را با ترس و گرسنگی و نقصان در دارایی‌ها و جان‌ها...^۴ و بالأخره هر فردی و امتی را با امتحان‌های گوناگون در سطوح مختلف و شیوه‌های متفاوت می‌آزماید.

سه) یکی از آزمون‌های الهی از این امت، در چگونگی پیروی آنان از پیامبر خداست. خداوند برای اجرای این آزمون و پیش‌گیری از هر نوع عذر و بهانه مقدمات آن را بدین گونه فراهم کرد:

اولاً: حرمت و منزلت رسولش را به امت نمایاند؛ مانند این آیات که می‌فرماید: «...لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ * إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (حجرات، ۲-۳)؛ صدایتان را برتر از صدای پیامبر نکنید و با ایشان با صدای بلند مانند موقعی که با یکدیگر سخن بلند می‌گویید، سخن نگویند که اعمالتان نابود می‌شود و شما نمی‌دانید * آنان که صدایشان را نزد رسول خدا پایین می‌آورند، کسانی‌اند که خداوند دلشان را با تقوا آزموده و برای آنان مغفرت و پاداش بزرگ قرار داده است».

ثانیاً: دستور به اطاعت محض از پیامبرش را صادر کرد و فرمود: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يُرِغِبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ...» (توبه، ۱۲۰)؛ هرگز نباید اهل مدینه و اعرابی که در اطراف آن هستند از امر رسول خدا تخلف کرده و از وی روی برگردانند و بر میل خود رفتار کنند» بلکه قرآن، تسلیم قلبی و صادقانه پیامبر را نشانه وجود ایمان می‌داند و می‌فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (نساء، ۶۵)؛ پس چنین نیست، به پروردگارت سوگند که آنان ایمان ندارند مگر آنکه تو را در نزاع‌های خود داور قرار دهند و بر آنچه حکم کردی در دل خود احساس دلتنگی نکنند و تسلیم محض باشند» و باز آیاتی دیگر در این

۱. مانند امتحان خداوند از فرشتگان ر.ک: سوره حجر، ۵.

۲. مانند امتحان از یهودیان ر.ک: بقره، ۶۵، نساء، ۱۵۴، اعراف، ۱۶۳.

۳. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲ (خطبه قاصعه). ۴. بقره، ۱۵۵.

زمینه که پیروی مطلق و بدون هیچ قید و شرط از تمام اوامر و نواهی پیامبر خدا ﷺ را درخواست کرد و چنین فرمود: «...مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...» (حشر، ۷)؛ پیامبر هر چه را به شما داد، بگیرید و هر آنچه شما را از آن بازداشت، بازدارید. و آیاتی دیگر که از مصادیق این اطاعت پرده برمی دارد مانند ماجرای تغییر قبله در اینکه فرمود: «وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ...» (بقره، ۱۴۳) «و قبله‌ای را که تاکنون بر آن بودی مقرر نکردیم مگر برای اینکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از آن کس که به عقب بازگشته [و از آن روی برمی‌تابد] مشخص سازیم» و بالأخره قرآن در یک جمع‌بندی کلی از آنها، اطاعت رسول خدا دانست و چنین اعلان کرد: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...» (نساء، ۸۰)؛ هر کس از رسول [خدا] اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است. در روایات نیز بر این مطلب تأکید فراوان شده است؛ از جمله مرحوم کلینی، بابی با عنوان «التفويض إلى رسول الله ﷺ وإلى الأئمة في أمر الدين» گشوده و در آن ده حدیث^۱ که در آن احادیثی با سند صحیح نیز به چشم می‌خورد، آورده است.^۲ پیام مشترک این روایات این است: خداوند پیامبرش را به نیکوترین شکل بر اساس محبت خود تأدیب کرد و ادب را در آن وجود به حد کامل رساند و فرمود: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴)؛ تو بر منش بزرگی هستی» و سپس امور خلقتش را [در امور دین] به ایشان سپرد تا بدانند مردم چگونه از ایشان پیروی می‌کنند؛ مانند روایت زُرارة از قول امام باقر و امام صادق عليهما السلام که چنین نقل می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ ﷺ أَمْرَ خَلْقِهِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتِهِمْ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...»؛

خداوند بلند مرتبه امور خلقتش را [درباره دین] به پیامبرش سپرد تا ببیند چگونه اطاعت می‌کنند؛ سپس امام این آیه را قرائت کرد: «هر چه پیامبر به شما داد بگیرید و هر آنچه شما را از آن بازداشت بازدارید».^۳

در برخی از این احادیث می‌خوانیم: خداوند چنین کرد تا اهل اطاعت از اهل معصیت

۱. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، کتاب الحجة، ص ۲۶۵-۲۶۸.

۲. همان، احادیث شماره ۱، ۳ و ۵ (تفویض امور دین به رسول خدا و به پیروی از آن به ائمه طاهرين به دلیل عصمت آنان است، به گونه‌ای که هیچ چیزی نمی‌خواهند جز آنچه موافق با حق و صواب است و هرگز به ذهن آنان آنچه مخالف با مشیت و خواست خداست، خطور نمی‌کند. این معنا از تفویض مورد پذیرش امامیه است نه آنچه را غالیان می‌پندارند. برای توضیح بیشتر ر.ک: مجلسی، مرآة العقول، ج ۳، ص ۱۴۲-۱۴۵).

۳. کلینی، همان، ص ۲۶۶، ح ۳.

شناخته شوند،^۱ از این رو بندگان واجب است تسلیم امر رسول خدا شوند، همان‌گونه که تسلیم خدا می‌شوند.^۲

ثالثاً: پیامبر خدا ﷺ نیز بر مشروعیت اطاعت از سنت خود و پیروی از تبیین و تفسیرشان از قرآن در همه اعصار تأکید کرده‌اند و وقوع تخلف را در این امت پیش‌بینی و امت را از این تخلف و نافرمانی بر حذر داشته‌اند. در این زمینه احادیثی با اسناد متعدد از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است؛ از جمله، این حدیث با سند صحیح که می‌فرماید:

«لَا أَعْرِفَنَّ الرَّجُلَ يَأْتِيهِ الْأَمْرُ مِنْ أَمْرِي، إِلَّا مَا أَمَرْتُ بِهِ وَإِنَّمَا نَهَيْتُ عَنْهُ فَيَقُولُ: مَا نَدْرِي مَا هَذَا، عِنْدَنَا كِتَابُ اللَّهِ كَيْسَ هَذَا فِيهِ؛

نشناسم [کنایه از اینکه نباید چنین امری رخ دهد] مردی را که امری از من به وی رسد که یا به آن دستور داده و یا از آن نهی کرده باشم، ولی بگوید: نمی‌دانم این چیست! نزد ما کتاب خداست، در آن این امر به چشم نمی‌خورد [پس ملزم به اطاعت آن نیستیم].»^۳

چهارم) خداوند در این پیروی و اطاعت، تفاوتی بین دستورها و تبیین‌های رسولش نگذاشته است و هیچ مرزبندی در قرآن و در روایات در این مورد بین امور اعتقادی و غیر اعتقادی فرعی نیست؛ از این رو کسی نمی‌تواند بهانه کند یا عذر بیاورد و بگوید چون فلان مسئله جزو اعتقادات است (مثلاً مسئله امامت که یکی از ارکان مذهب شیعه است) باید در قرآن به صورت نص بیان می‌شد (نه آنکه در ظاهر آیات به صورت کلی و سر بسته مطرح شود و پیامبر خدا آن را مانند مسائل دیگر، تبیین کنند) ما دلیلی بر این عذرها نمی‌شناسیم جز آنکه آن را رسوبات تفکر «حسبنا کتاب الله» بدانیم، و الا این مسئله از یک

۱. همان، ص ۲۶۷، ج ۷.

۲. همان، ص ۲۶۷، ج ۴.

۳. ر.ک: حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ وی این روایت را صحیح می‌داند و ذهبی نیز با آن موافق است. ر.ک: همان‌جا؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۶، ج ۱۲؛ دارمی، سنن، ج ۱، ص ۱۱۷، ج ۵۹۲؛ ابن حبان، صحیح، ج ۱، ص ۱۹۰، ج ۱۳ محققان در باورقی، سند را صحیح به شرط مسلم می‌دانند. ر.ک: همان‌جا؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۷، ج ۲۶۶۳. وی این حدیث را «حسن صحیح» می‌شمرد. بیهقی، سنن، ج ۹، ص ۳۳۱؛ ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۲۰۰، ج ۴۶۰۶؛ شبیه به این روایت این حدیث است:

يُوشِكُ الرَّجُلُ مَكْتَبًا فَيَأْتِيهِ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَلَالٍ اسْتَحْلَلْنَاهُ وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ حَرَامٍ حَرَمْنَاهُ أَلَا، وَإِنَّ مَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ مِثْلَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ...؛ بسا مردی بر اریکه قدرت تکیه زند و چون از حدیث من سخنی به میان می‌آید، بگوید: بین ما و شما کتاب خداست، هر چه در آن حلال یافتیم، حلال می‌شمیریم و هر چه در آن حرام یافتیم، حرام می‌دانیم [سپس پیامبر خدا فرمود]: آگاه باشید هر آنچه را رسول خدا حرام کرد، همانند آن چیزی است که خداوند حرام کرده است (ر.ک: حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۱، ص ۱۰۹).